

مناظره، گفتمانی برای ایجاد فهم مشترک و درک متقابل توأم با اثربخشی دو جانبه است، از این رو شیوه‌های تبیین معارف دین در کتب اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با اندیشه‌های مخالفان اسلام و تشیع و دیگر فرقه‌های اهل کتاب، مناظره‌ها و احتجاج‌هایی بوده است که ائمه معصومین در طول تاریخ انجام داده‌اند. مناظره از آن جهت که به منظور شناخت درست، صورت می‌گیرد و مناظره‌کنندگان سعی در مشخص کردن تمام نقاط مبهم و تاریک عقاید طرف مقابل را دارند، کمک شایانی به درک واقعی از کنه دیدگاه‌ها و ایدئولوژی مکاتب می‌کند. مناظرات امام رضا علیه السلام با علمای اهل کتاب از نمونه‌های شنیدنی مناظرات است و می‌تواند شیوه‌ها و الگوهای مناسب برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و چالش‌های پیش روی اسلام و گفت‌وگو با پیروان دیگر ادیان و فرق دینی را در اختیار ما قرار دهد.

کلیدواژگان: مناظره، امام رضا علیه السلام، جاثلیق، رأس الجالوت، عمران صابی، مأمون.

روش تحقیق: در این تحقیق سعی شده است با مراجعه به اسناد و مدارک موجود در کتب و مقالاتی که در عرصه‌های علمی، در زمینه امام رضا علیه السلام تدوین شده است و با تحلیل آنها، بررسی وضعیت مناظره‌های امام رضا علیه السلام صورت پذیرد.

مقدمه

طرح و بررسی جلوه‌های معرفتی و چگونگی مناظره‌های امامان شیعه در حوزه‌های گوناگون و قرار دادن آن در منظر ارباب معرفت، امکان داوری دقیق و درست را در این باب فراهم می‌سازد. صفحات تاریخ اسلام، نمونه‌های بسیاری از تلاش‌های علمی بزرگان دینی را در خود ثبت کرده است که هر یک در راستای تبیین اندیشه خود و زدودن سوء تفاهمات و به منظور همچنین تعامل علمی بیشتر و نمایان شدن نقاط مشترک دریافته‌های مختلف از وحی، به مناظره نشسته‌اند. مناظره در حقیقت فشرده‌ترین کلاسی است که ارباب اندیشه در آن زورآزمایی کرده، حقیقت‌پندار خویش را بر دیگر مدعیان اثبات می‌کنند.

آنچه در این نوشتار بدان می‌پردازیم، بررسی یکی از همین نمونه‌هاست. مناظرات امام رضا علیه السلام با اهل کتاب، گام کوچکی است تا یکی از جلوه‌ها و حوزه‌های معرفتی آن امام همام، در حد امکان به تصویر کشیده شود. این جلسات علمی که با راهنمایی و برنامه‌ریزی فضل بن سهل، وزیر ایرانی مأمون انجام می‌گرفت و با حضور رهبران ادیان یهود، مسیح، صابئین، زردشت (مجوس)، طبیب رومی، متکلمین اسلامی مثل سلیمان مروزی و... برگزار می‌شد، نتایج علمی و تمدنی ارزش‌مندی برای جهان اسلام داشت. موضوعات مورد بحث حضرت بر محور مباحثی مثل نبوت، توحید، کتاب‌های آسمانی، نبوت پیامبر خاتم، معجزات پیامبران، حقانیت ادیان، مسئله بداء و... بود.

ذکر این نکته حایز اهمیت است که منابع این مناظره را می‌توان در کتاب‌های عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد دوم احتجاج و جلد ۴۹ بحار الأنوار جست‌وجو کرد.

۱. پیشینه، جایگاه و شیوه‌های مناظره در ادیان آسمانی

گفت‌وگو، مناظره و احتجاج از همان آغاز آفرینش، از اساسیترین ابزارهای انسان‌ها برای تفهیم و تفاهم بوده است. انسان به مدد همین ابزار منحصر به فرد و به کمک استدلال منطقی می‌تواند بسیاری سوء تفاهمها را رفع کند و چه بسا کاری که به چکاچک شمشیر انجام نمی‌گردد، به قدرت تدبیر و بحث، انجام شود.

تاریخ ادیان توحیدی نشان می‌دهد که پیامبران بزرگ الهی نیز همواره در موقعیتهای گوناگون تبلیغی از این ابزار عمومی و فطری بشر، بهره‌های فراوان برده‌اند. احتجاج حضرت نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، شعیب، موسی و عیسی علیه السلام با کافران قوم و مخالفان فکری خود، در قرآن گزارش شده است.<sup>۱</sup> احتجاجهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز با مشرکان عرب، مسیحیان نجران، یهودیان، مادّیون و منکران معاد، در بسیاری از آیات و منابع حدیثی انعکاس یافته است.<sup>۲</sup>

---

۱. ر.ک: هود، آیات ۲۵-۳۵، ۵۰-۵۷ و ۶۱-۶۳؛ شعراء، آیات ۶۹-۸۱ و ۱۶۰-۱۸۸؛ مریم، آیات ۴۱-۴۷؛ انعام، آیات، ۷۵-۷۹؛ بقره، آیه ۲۵۸ و طه، آیات ۴۲-۶۲.

۲. ر.ک: طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲-۲۸ و ۲۹-۳۶ و نیز ر.ک: فرقان، آیات ۷ و ۸؛ زخرف، آیه ۳۱ و اسراء، آیات ۹۰-۹۳.

پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، اهل بیت عصمت و طهارت: نیز تداوم بخش این سیره بوده‌اند. مناظره امام علی علیه السلام با دانشمندان یهود درباره خدا و صفات او<sup>۱</sup>، گفت‌وگوی امام حسن علیه السلام با معاویه و دیگر شامیان<sup>۲</sup>، گفت‌وگوی امام باقر علیه السلام با خوارج<sup>۳</sup> و مناظره‌های امام صادق علیه السلام و شاگردان ایشان با زندیقان<sup>۴</sup> از این قبیل است.

اما در این میان، گفت‌وگوی نغز و ژرف امام رضا علیه السلام با مخالفان، به ویژه عالمان یهود، نصارا، زرتشتی و صائبی و متکلمان نام‌دار که با پیشنهاد مأمون عباسی برگزار گردید، بسیار شنیدنی است. ایشان از راه گفت‌وگو و مناظره، به مقابله با مخالفان پرداخت و سؤالات و چالش‌های دگراندیشان در حوزه عقاید اسلامی و شیعی را پاسخ گفت.<sup>۵</sup>

## ۲. اهمیت مناظره‌های امام رضا علیه السلام

نقل است در یکی از جلسات گفت‌وگوی علمی بین مأمون و امام رضا علیه السلام، در پایان گفت‌وگو، مأمون دست محمدبن جعفر، عموی امام رضا علیه السلام را که در آن مجلس حضور داشت گرفت و خطاب به محمدبن جعفر گفت: فرزند برادرت را چگونه دیدی؟ محمد گفت: او مردی دانشمند است، در حالی که که ندیده‌ام نزد اهل علم رفت و آمد کند. مأمون گفت: این برادرزاده تو از دودمانی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شأن آنها فرموده است: «**إِنَّ اِبْرَارَ عِترتی و اطائب ارومتی، احلم الناس صغاراً اعلمهم کباراً لا تعلموهم، فانهم اعلم منکم و لا یخرجونکم من باب هدی و لا یدخلونکم من باب ضلال**»؛ آگاه باشید نیکان خاندان من و پاکیزگان از نسل من، در کودکی از همه بردبارتر و در بزرگی از همگان داناترند. به آن چیزی نیاموزید، زیرا از شما آگاه‌ترند، آنان شمار را از راه هدایت بیرون نمی‌برند و در بی‌راهه وارد نمی‌سازند.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> مفید، ارشاد، ج ۱، ص ۲۰۱ و ۲۰۲.

<sup>۲</sup> طبرسی، احتجاج، ج ۱، ص ۲۶۹ - ۲۷۹.

<sup>۳</sup> فروع کافی، ج ۸، ص ۳۴۹، ح ۵۴۸.

<sup>۴</sup> برای نمونه: بحار الأنوار، ج ۳، ص ۳۱ و ۵۱ و طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۴۴ - ۳۵۵.

<sup>۵</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۲۸.

<sup>۶</sup> بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۸۴ و ج ۴۹، ص ۱۸۰ و طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۲۴.

امام در موارد متعددی از طرف مقابل در صحنه مناظره می‌خواست هر سؤالی که به ذهن او خطور می‌کند، مطرح نماید و سپس تمام پرسش‌ها را به شایستگی و روشنی پاسخ می‌فرمود. این شرایط در مدینه، یعنی محل تولد اقامت امام کمتر سابقه داشت، چنان‌که از کلام عمومی آن حضرت نیز کاملاً مشخص است، آن‌گاه که به نوفلی می‌گوید: «من این خصوصیت او را در مدینه سراغ نداشتم و نمی‌دانستم او تا این اندازه در علوم مختلف متبحر است»، لذا این جنبه شخصیت آن حضرت حتی بر نزدیکان ایشان نیز مغفول و ناشناخته بود، اما دانش سرشار خدادادی امام چنان بود که گویی همه عمر را به این مباحث اشتغال داشته است.<sup>۱</sup> در پی این مناظره‌ها بود که یکی از پویاترین کانون‌های علوم اسلامی و به ویژه شیعی، در خراسان پا گرفت و در دوره‌های بعد، به ایفای نقشی حیاتی در پاسداری از اسلام و تشیع و ترویج آن پرداخت.

ارزش هرچه بیشتر مناظره‌های امام رضا علیه السلام با اهل کتاب و با استناد به کتب مقدسی هم‌چون تورات، انجیل و زبور، زمانی روشن می‌شود که شرایط شگفت حاکم بر منطقه عمومی خراسان بزرگ از نظر تنوع فرقه‌ها و نحله‌های دینی و مذهبی گوناگون و چالش‌هایی که از این ناحیه متوجه اسلام و جامعه مسلمانان بود، مورد توجه قرار گیرد. منطقه شرق و شمال شرقی فلات ایران در مقایسه با نواحی مرکزی و غربی آن، از دیرباز

شرایط دینی و سیاسی متفاوتی داشته است. در نواحی مرکزی و غربی، به ویژه در دوره طولانی ساسانی، خشونت و تعصب مذهبی رواج داشت و هرگونه گرایش مذهبی، به جز زرتشتی‌گری، طرد و سرکوب می‌شد، اما در منطقه شرق و شمال شرقی، پیروان ادیان گوناگون از دوره‌های بسیار کهن تاریخی با کمال آزادی در کنار یکدیگر می‌زیسته‌اند. این رواداری دینی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز پیروان ادیان گوناگون در کنار یکدیگر و نیز دور بودن از مناطق مرکزی و غربی، سبب شد تا اقلیت‌های دینی، که در پی سیاست‌های خشن مذهبی ساسانیان و ستم موبدان متعصب زرتشتی در جست‌وجوی پناه‌گاه و منطقه‌ای امن برای زندگی بودند، به این ناحیه روی آورند. پیروان فرقه‌های گوناگون مسیحی، یهودی، مانویان، مزدکیان، بوداییان و بسیاری از فرقه‌های دینی و مذهبی دیگر، در این منطقه آزادانه زندگی می‌کردند و حتی به تبلیغ دین و آیین خود می‌پرداختند. این شرایط تا زمان ظهور اسلام و سده‌های پس از آن نیز کم و بیش ادامه داشت، به گونه‌ای که

---

<sup>۱</sup> ناصر مکارم شیرازی، مناظرات تاریخی امام رضا علیه السلام با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر، ص ۶۷۵.

انتشار اسلام در این ناحیه با مقاومت‌ها و دشواری‌های فراوان روبه‌رو شد. ادیان و آیین‌های یاد شده، به ویژه باورها و آیین‌های کهن ایرانی، قرن‌ها پس از اسلام نیز در این ناحیه دوام آوردند. در زمان سفر امام رضا علیه السلام به خراسان بزرگ (اوایل قرن سوم هجری) این منطقه یکی از مهم‌ترین و سنتی‌ترین کانون‌های زرتشتی‌گری بود و هر یک از ادیان یهود، مسیحیت، صابئی و جز آن در این منطقه، پیروان و حضوری چشم‌گیر و قابل توجه داشتند.

### ۳. فضای کلی مناظره

فضای کلی مناظره از چند جهت قبل بررسی است. از جمله آن که این مناظرات به دعوت مأمون خلیفه عباسی صورت گرفته است؛ کسی که با اهل‌بیت پیامبر دشمن بود و بعدها دستش به خون امام رضا علیه السلام آغشته شد. دیگر این که این مناظره با ارباب ادیان و بزرگان کلامی آن روزگار صورت گرفته است که هر یک در زمان خود، آوازه‌ای در بحث‌های کلامی داشتند. نوفلی از راویان مناظره در وصف این جمع می‌گوید: «آنان غیر از علما هستند، زیرا علما در برابر حق خاضع‌اند، امام این‌ها آن قدر مغلطه می‌کنند تا شخص خود دلیلش را باطل کند و دست از نظر خویش بردارد.»<sup>۱</sup>

هم‌چنین شکل چینش این مناظره قابل توجه است، زیرا سعی شده که بهترین‌ها از تمامی مذاهب و ادیان مختلف جمع شوند، تا هر یک بر اساس اعتقادات خود با امام رضا علیه السلام به بحث بنشینند. در حالت ظاهری، یک نفر هر قدر هم که در علم متبحر باشد، نمی‌تواند در تمامی ادیان به چنان تبحری برسد که با بهترین‌های آن علم به مناظره بنشیند، آن هم افرادی که هر یک در باب مناظره از نام‌آوران زمان خود بوده‌اند، از این رو می‌توان کاملاً به هدف اصلی برگزارکننده این مناظره (مأمون) پی برد که همانا شکست امام رضا علیه السلام و فراهم شدن زمینه برای تبلیغات منفی دستگاه بنی‌عباس علیه آن حضرت بوده است. اشاراتی نیز از آن حضرت وجود دارد که نشانه آشکار بود اهداف برگزارکننده این مناظره برای آن حضرت است: «قل له: فقد علمت ما اردت»<sup>۲</sup>؛ به او [مأمون] بگو: نیتت را دانستم. اما نتیجه حیرت‌انگیز این

<sup>۱</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۳۱۵.

<sup>۲</sup> همان، ص ۳۱۴.

مناظره نه تنها مأمون را از رسیدن به اهدافش مأیوس کرد، بلکه جایگاه امام رضا علیه السلام را در میان مردم بیش از پیش مستحکم ساخت.

غلبه امام بر حریفان و طرف‌های مناظره با استناد بر کتاب‌های خودشان و بر اساس منطقی محکم و استوار، در نهایت به اثبات حقانیت اسلام، مجاب شدن مدعیان و اثبات برتری و حقانیت ائمه اهل بیت علیهم السلام و پیروان و شیعیان آنها منجر شد.

امام رضا علیه السلام در برابر هشدار نوفلی که حضرتش را از مناظره بر حذر می‌داشت، ضمن تشریح اهداف مأمون از تشکیل این جلسات، در این رابطه فرمود:

آن‌گاه که مأمون استدلال مرا با یهودیان به مدد تورات و با مسیحیان به انجیل و با اهل زبور به زبور و با هیربدها به زبان پارسی و با رومیان به زبان رومی و با فرقه‌های مختلف به زبان خودشان بشنود و ببیند که چگونه دلیل هر قومی ابطال می‌شود و آنان دست از ادعای خود برمی‌دارند و دیدگاه مرا می‌پذیرند، او درمی‌یابد جایگاهی که بر آن تکیه زده، سزاوار وی نیست و از کرده خویش پشیمان خواهد شد.<sup>۱</sup>

۴. اهداف مأمون از برگزاری این مناظرات

بی‌تردید مأمون از برگزاری این مناظرات، اهدافی را پی‌گیری می‌کرد که در ادامه تلاش شده برخی از این اهداف، واکاوی شود:

الف. خراب کردن وجهه امام

مأمون به منظور فرونشاندن قیام‌های علویان و جلب نظر آنان، امام رضا علیه السلام را از مدینه به مقر حکومت خود در خراسان کشاند. او سعی بسیار داشت علاوه بر نزدیک نشان دادن امام رضا علیه السلام به خود و مشروع جلوه دادن رفتارهای ظالمانه حکومت عباسی، با اعطای ولایت عهدی و گرفتن تنها بهانه قیام‌ها و مخالفت‌های علویان که همانا ادعای غصب خلافت بود، تمامی مشکلات خود را یک‌باره از میان بردارد.

---

<sup>۱</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱.

در این میان آنچه می‌توانست تأثیر این دسیسه را به حداقل برساند، چهره **موجه** امام علیه السلام در میان مردم و هیمنه علمی آن حضرت بود، اما مأمون در پی آن بود که با خدشه در ادعای منصوص بودن جایگاه امامت امام رضا علیه السلام، ایشان را مانند دیگر انسان‌های زمینی، خطاپذیر و محدود از جهت علمی معرفی کند. به همین دلیل از اولین اقدامات او در پی ورود امام رضا علیه السلام، برگزاری جلسات مناظره بود.<sup>۱</sup> اذعان امام به این که وقتی مأمون پیروزی من را ببیند، از این کار خود پشیمان خواهد شد، شاهدی بر این مدعاست که حضرت، عمل مأمون را نه در راستای کشف حقیقت و پیروزی اسلام بر دیگر ادیان، بلکه با هدف اثبات حقانیت خود و رسیدن به اهدافی خاص، تفسیر می‌کرد.<sup>۲</sup> این مسئله در مناظره آن حضرت با سلیمان مروزی به شکل آشکارتری نمایان است، آن جا که مأمون به سلیمان می‌گوید: «من تو را آورده‌ام تا او را حتی شده فقط در یک مورد مجاب نمایم.»<sup>۳</sup>

#### ب. سرگرم کردن مردم با مناظره‌های علمی

با توجه به درگیری‌ها و قیام‌های ابتدای حکومت مأمون عباسی از جمله جنگ او با برادرش و دیگر درگیری‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که اوضاع آن زمان بسیار **متشنج** و غیرقابل پیش‌بینی بود. وجود درگیری‌های متعدد می‌توانست شورش‌های متعددی را به همراه داشته باشد، بنابراین برپایی چنین مناظراتی می‌توانست ذهن مردم را از کشمکش‌ها به سوی دیگر بکشاند و اوضاع تا حدودی آرام شود. یکی از توجیحات مطرح در علل رشد مناظره در دوره مأمون عباسی می‌تواند همین امر، یعنی سرگرم کردن مردم به مباحثی غیر از درگیری‌ها و قیام‌های متعدد باشد.

#### ج. شناخت بهتر امام رضا علیه السلام توسط مأمون

مأمون که خود دستی در علم کلام داشت و فرد دانشمندی بود، بهتر از هر کس دیگری از جایگاه علمی امام و توانایی‌های ایشان آگاهی داشت. او برای درک بهتر این مسئله و فهم این نکته که آیا آن حضرت به راستی امام شیعیان است یا مانند برخی مدعیان دروغین، تنها قصد سوء استفاده از فرصت به دست آمده را دارد،

---

۱ همان، ص ۳۱۳.

۲ همان، ص ۳۱۶.

۳ همان، ص ۳۶۲.

این مناظرات را برپا کرد. چنان‌که محمد بن جعفر، عموی امام رضا علیه السلام در انتهای جلسه مناظره به نوفلی می‌گوید: «مأمون قصد داشت امام را بیازماید تا دریابد چیزی از علم امامت در نزد او هست یا نه؟» بعدها اباصلت هروی یکی از دلایل شهادت امام رضا علیه السلام را پیروزی آن حضرت در همین جلسات مناظره بیان می‌دارد<sup>۱</sup> که نشانه کشف حقیقت بر مأمون و یافتن کانون خطر مشروعیت در مقابل حکومت خود بود.

#### ۵. مناظره‌کنندگان

در کتاب‌های تاریخی، نام دقیق مناظره‌کنندگان نیامده و تنها به لقب آنها اشاره شده است. نام‌های «جاثلیق»، «رأس الجالوت» و «هیرید اکبر» و مانند آنها در حقیقت مقاماتی است که آنها در دین خود داشته‌اند؛ مثلاً جاثلیق مقام سراسقفی مسیحیان در ایران بوده است، یا رأس الجالوت (بزرگ مهاجران) رئیس یهودیان بوده که وظیفه تعیین قضات و روحانیون یهودی را بر عهده داشته است.

#### ۶. شیوه امام در مناظره

امام علیه السلام علاوه بر پاسخ‌گویی که از علم آن حضرت سرچشمه می‌گرفت، از شیوه‌های خاصی را در مناظره اجرا می‌کرد که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

#### الف. دعوت به پرسش

اولین مرحله مشهود در فرآیند مناظرات امام رضا علیه السلام، دعوت ایشان از دیگران برای مباحثه است. در واقع دعوت به مباحثه، نقطه آغازین مناظره‌های علمی ایشان می‌شود. امام علیه السلام همواره مناظره را چنین آغاز می‌نمود: «اگر در بین شما کسی هست که می‌خواهد سؤال کند، بدون خجالت و رودربایستی سؤال کند.»<sup>۲</sup> این شیوه رفتاری امام علیه السلام موجب می‌شد که طرف مقابل، بدون هیچ‌واهمه‌ای سؤال کند؛ برای نمونه می‌توان این گوشه از مناظره امام علیه السلام با عمران صابی را نقل کرد:

---

<sup>۱</sup> همان، ج ۲، ص ۵۸۵.

<sup>۲</sup> صدوق، عیون اخبار امام رضا علیه السلام، ج ۱.



امام رضا علیه السلام: ای قوم! اگر در بین شما کسی مخالف اسلام هست و می‌خواهد سؤال کند، بدون این که غضب‌ناک شود، سؤال کند.

عمران صابی: ای دانای مردم! اگر خودت دعوت و خواهش نکرده بودی که از شما سؤال شود، هرگز از شما سؤال نمی‌کردم...<sup>۱</sup>

ب. میدان دادن به طرف مقابل

در جلسه‌ای که تمام سران ادیان و مذاهب حضور داشتند، یکی از مسائلی که کاملاً حضرت رضا علیه السلام رعایت کرد، میدان دادن به طرف‌های مقابل بود. ایشان هرگز در مناظره، حالت تهاجمی نگرفت و شروع به پرسش نکرد، بلکه با حوصله فراوان به مخالفان میدان می‌داد تا اگر خواستند، پیش قدم شوند. به این سبب، امام علیه السلام به رأس الجالوت، پیشوای بزرگ یهودیان فرمود: «از من می‌پرسی، یا من از تو پرسم؟» رأس الجالوت گفت: «من از تو می‌پرسم، ولی هیچ دلیلی را از تو نمی‌پذیرم، مگر این که در تورات یا انجیل یا زبور داوود یا صحف ابراهیم و موسی باشد.» حضرت نیز از این پیشنهاد او کاملاً استقبال کرد و فرمود: «دلیلی را از من نپذیر، مگر آنچه از تورات که بر زبان موسی بن عمران، آنچه از انجیل که بر زبان عیسی بن مریم و آنچه از زبور که بر زبان داوود آمده است.»<sup>۲</sup>

ج. اعطای آزادی کامل به مخالفان

ممکن است در آغاز مباحثه به افراد میدان داده شود، ولی در پرسش‌ها محدودیت ایجاد شود و به آنها اجازه پرسش در حیطه خاص داده نشود. امام رضا علیه السلام کاملاً به مخالف خود آزادی می‌داد و به او اعلام می‌کرد که هر چه می‌خواهد پرسد؛ به عنوان نمونه آن حضرت به جاثلیق، پیشوای بزرگ مسیحیان فرمود: «ای جاثلیق! از آنچه برایت ظاهر می‌شود (و آنچه می‌خواهی) پرس.»<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> همان.

<sup>۲</sup> احمد بن علی طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۶۱۴.

<sup>۳</sup> همان، ص ۴۰۶.

این‌گونه آزادی قائل شدن برای رقیب، تنها از انسان‌های آگاهی هم‌چون امامان معصوم و آنها که به علم بی‌نهایت الهی وصل‌اند، برمی‌آید.

د. هم‌گام شدن

هم‌گام شدن با مخاطب، مستلزم به کارگیری روش‌های مختلفی است. می‌توان با روحیه، زبان بدن و انگاره‌های سخن (میزان صحبت، لحن صدا، بلندی و کوتاهی آن، کلمات و عبارات)، با باورها و اعتقادات اشخاص، هم‌گام شد.<sup>۱</sup> مناظره‌گر باید در هر مناظره، نمادهای خاص آن نوع مناظره را به خوبی بشناسد و درک کند تا بتواند اطلاعاتش را به راحتی و با موفقیت منتقل سازد، از این رو می‌بینیم که امام رضا علیه السلام با دامنه‌ی درک و رفتار وسیع خود، ساده‌تر می‌توانست انواع طرز رفتار دیگران یا تیپ‌های شخصیتی مخاطب را نشان دهد. در اصل، امام علیه السلام با هم‌گامی با مخاطب، به او می‌گفت که نظر او را می‌شنود و در راستای آن حرکت می‌کند.

هم‌گام شدن امام علیه السلام با مباحثه‌گر، فضا را برای طرح دیدگاه‌ها و پیشنهادها بیشتر باز می‌نمود، چراکه عمل ایشان، در واقع پذیرفتن طرف مناظره بود و چون امام او را می‌پذیرفت، او نیز امام علیه السلام را می‌پذیرفت؛ به عبارت دیگر، هم‌گام شدن امام علیه السلام، مقاومت مناظره‌گر را کاهش می‌داد و از این طریق، امام علیه السلام می‌توانست با آگاهی از تجربه‌ی مخاطب و هم‌آوایی با او، وی را به تجربه‌های جدید رهنمون سازد. این مرحله از فرآیند مناظره، مبتنی بر پیش‌بینی درست از وجوه اشتراک نهفته در یک نقش یا حرفه است که توان سازگاری و انطباق با ادراک‌های مشترک و نگرش‌های یک‌سان در رمزگذاری و رمزخوانی پیام‌ها را در آن حرفه یا نقش دارد.<sup>۲</sup>

در ادامه شیوه‌های هم‌گام شدن با مخاطب، ذکر و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گوش دادن پویا: اصولاً مناظره علمی مستلزم گوش دادن و سخن گفتن است و در فرآیند مناظره، این دو از هر جهت برابرند. گوش دادن به مخاطب در کنار سخن گفتن، از روش‌های مهم مورد تأکید امام رضا علیه

---

۱ علی اکبر، فرهنگی، مبانی ارتباطات انسانی، ج ۱.

۲ همان.

السلام برای درک بهتر کلام مخاطب خود در مناظره بود. در واقع هدف امام از مناظره، درک تجربه مخاطب تا حد امکان بود که از این طریق می‌توانست با او ارتباط مؤثری برقرار سازد، چراکه هم‌گامی واقعی، مستلزم گوش فرادادن به سخنان مخاطب است؛ به بیان دیگر، راه رسیدن به درک هم‌دلانه، پیروی از این قاعده است و به قول مولانا:

ای بسا دو ترک چون بیگانگان      ای بسا هند و ترک هم‌زبان

پس زبان هم‌دلی خود دیگر است      هم‌دلی از هم‌زبانی بهتر است.

زیباسازی کلام: امام علی علیه السلام فرمود: «خیر الکلام ما لایمّل و لایقل»<sup>۱</sup>؛ بهترین سخن آن است که شنونده را خسته و افسرده نسازد و از اعتبار گوینده نکاهد. این سخن بیان‌گر این موضوع است که عرضه مطالب به مقتضای حال مخاطب، شرط اساسی در درک

هم‌دلانه است، از این رو، امام رضا علیه السلام در تمام مباحثات خویش، با کلام شیوا و شیرین، ذهن مخاطب را بیدار نگه می‌داشت؛ برای مثال ایشان در پاسخ به عمران صابی که سؤال کرد: آیا چنین نیست که خداوند پیش از ایجاد مخلوقات ساکت بود و سپس سخن گفت؟ فرمود:

سکوت ممکن نیست، مگر این که پیش از آن نطقی صورت گرفته باشد، همان‌طور که گفته نمی‌شود چراغ ساکت است یا با اراده به ما روشنایی می‌دهد، زیرا روشنایی و کار، وجودی صادر از چراغ نیست. چراغ جز موجودیت خود، چیزی نیست. وقتی که چراغ برای ما روشن شود، می‌گوییم چراغ برای ما روشن شد و ما از روشنایی آن برخوردار شدیم.<sup>۲</sup>

سخنی با این ویژگی، قدرتی دارد که موجب ایجاد جاذبه و روحیه بیداری در مخاطب می‌شود.

۱ عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح و تعلیق جلال‌الدین ارموی، ج ۱.

۲ صدوق، عیون اخبار امام رضا علیه السلام، ج ۱.

هـ. هدایت کردن

در رفتار ارتباطی امام علیه السلام، مخاطب چاره‌ای نداشت جز اینکه قدم بعدی را با ایشان بردارد؛ به عبارت دیگر، هم‌گامی و هم‌آوایی امام علیه السلام، به هدایت شدن طرف مناظره منتهی می‌شد و این یعنی هم‌گام شدن با مخاطب هنگامی که عملی مطابق با رفتار مورد نظر دارد. امام علیه السلام در مناظره با مخاطب، او را راهنمایی می‌کرد و در غیر این صورت با او هم‌گام می‌شد.

امام رضا علیه السلام همواره در مباحثات سعی داشت با استفاده از شیوه‌هایی که در ذیل به آن اشاره می‌شود، مخاطب را به جهت بحث هدایت کند:

درخواست اطلاعات بیشتر از مخاطب: امام علیه السلام ضمن تحریک مناظره‌گر، از وی اطلاعات یا طرح سؤالات بیشتر می‌خواست. در رفتار مناظره‌ای ایشان بر این دو و به ویژه، پرسیدن بیشتر تأکید می‌شد. چنان‌که در مباحثات مشهود است، مخاطبان امام علیه السلام معمولاً سؤال‌های خود را در یک عبارت یا حداکثر در چند عبارت کوتاه بیان می‌داشتند که عمدتاً، جامعیت کافی نداشتند، اما امام علیه السلام سعی می‌کرد مخاطب را ضمن وادار کردن به فکر و تعمق، به سمت جامعیت سؤال بکشانند، چرا که هدف از مناظره، تکامل ذهنیت مخاطب از موضوع یا مشکل مطرح شده است، نه صرفاً پاسخ‌گویی. می‌توان اذعان داشت که تکامل ساختار ذهنی مخاطب از مسئله، وی را خودبه‌خود، به گرفتن بی‌کم‌وکاست پاسخ هدایت می‌کند. در غیر این صورت، هر چند پاسخ صحیح داده شود، اما پس از مدتی، همان سؤال ناقص با ساختاری متفاوت، مجدداً در ذهن شکل می‌گیرد. در شیوه مختص حضرت رضا علیه السلام، ابتدا برای مخاطب روشن می‌شد که منظور از سؤال چیست و سپس به پاسخ پرداخته می‌شد.

ارجاع به منابع مورد توافق: یک مناظره معمولاً و نه الزماً، با استفاده از موارد مورد توافق صورت می‌گیرد. این مسئله به عواملی چون شخصیت مخاطب، اندیشه و آگاهی دو طرف و به مواردی چون مبادی، اصول و پیامد بحث بستگی دارد. شیوه امام علیه السلام در مناظرات، هدایت مخاطب به بحث با توجه به این عوامل بود، چنان‌که ایشان در تأکید بر این مهم فرمود: «آیا منصف‌ترین فرد کسی نیست که در مناظره با خصم خود با کتاب، پیامبر و شریعت او مناظره کند؟»<sup>۱</sup> به همین دلیل، آن‌جا که رأس الجالوت اعلام می‌دارد که

<sup>۱</sup> سید محمد، مرتضوی، نهضت کلامی در عصر امام رضا علیه السلام.

هیچ‌گونه دلیل و برهانی را از امام علیه السلام نمی‌پذیرد، مگر این‌که در تورات، انجیل، زبور یا در صحف ابراهیم و موسی علیه السلام باشد، امام فرمود: «تو هیچ دلیلی را از من نپذیر مگر آنچه در تورات، به زبان موسی بن عمران و در انجیل، به زبان عیسی بن مریم و در زبور، به زبان داوود، نقل شده باشد.»<sup>۱</sup> ایشان هم‌چنین در پاسخ جاثلیق نصرانی که به مأمون گفته بود: «چگونه با کسی بحث کنم که به کتابی استدلال می‌کند که آن را قبول ندارم و به گفتار پیامبری احتجاج و مناظره می‌کند که به او ایمان ندارم؟» فرمود: «ای مرد مسیحی! اگر از انجیل برای تو دلیل بیاورم می‌پذیری؟» و او جواب داد: «آیا می‌توانم آنچه را انجیل فرموده رد کنم!»<sup>۲</sup>

استفاده از عبارات ساده و قابل فهم: پرواضح است که هرچه امکانات و زمینه‌های مادی و معنوی بلاغت بهتر باشد، کاربرد روش‌های مختلف در مناظره، سهل‌تر و موفق‌تر است. به عبارتی، استفاده از لغات پیچیده و مبهم در مناظره، ممکن است موجب سوء تعبیر شود، از این‌رو با استفاده از کلمات ساده (و نه پیش‌پا افتاده) می‌توان بر این مشکل فایق آمد. حضرت با توجه به دامنه لغات مباحثه‌گران، مخاطب را درک و به استعدادش توجه می‌کرد و با هر یک از آنها به زبان خودش مباحثه می‌کرد.

ایشان فرمود: «من بر اهل تورات به تورات ایشان و بر اهل انجیل به انجیل ایشان و بر اهل زبور به زبور ایشان و بر کسانی که بر دین نوح علیه السلام هستند، به زبان عبرانی ایشان و بر آتش‌پرستان (زردشتیان)، به زبان فارسی ایشان و بر اهل روم، به زبان رومی ایشان دلیل می‌آورم و بر کسانی که با من به گفت‌وگو بپردازند، با هر یک به زبان خودشان گفت‌وگو می‌کنم.»<sup>۳</sup> در حدیثی از ایشان آمده است: «حدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ ابْكُوا عَمَّا يَنْكُرُونَ»؛ از آنچه مردم می‌توانند درک کنند و بشناسند، سخن بگویید و از آنچه نمی‌دانند درک و باور داشته باشند، خودداری نمایید.

و. خودداری از نقد شخصیت افراد به جای نقد کلام

---

<sup>۱</sup> همان.

<sup>۲</sup> همان.

<sup>۳</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه و شرح محمدتقی اصفهانی.

<sup>۴</sup> بحار الأنوار.

امام در هیچ جای مناظره مخاطبان خود را به دروغ‌گویی متهم نمی‌کند، بلکه در همه موارد، نقاط اشتباه و انحراف آنان را تذکر می‌دهد. در حقیقت امام از نقد شخصیت افراد خودداری می‌کنند و به نقد مطالب می‌پردازد. در مقابل می‌بینیم که جاثلیق بزرگ نصرانیان از تنها فرصتی که برای نقد شخصیت امام پیدا می‌کند سریعاً استفاده کرده، آن حضرت را به جهل و ناتوانی علمی متهم می‌نماید. این نکته در مناظراتی که که ناظران متعدّدند، باید بسیار مورد توجه قرار گیرد، زیرا می‌تواند توجه مخاطبان را به حق‌مداری مناظره‌کننده جلب کند و از خارج شدن شکل مناظره از یک مباحثه علمی به دعوی شخصی جلوگیری نماید.

ز. استفاده از مسلمات خصم

یکی از شیوه‌های رایج گفت‌وگو در مباحث علمی، استفاده از مسلمات خصم است. در جدل، اصولی به کار می‌رود که طرف مقابل کاملاً آنها را قبول دارد؛ برای نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله در احتجاج خود با نصاری نجران، که بدون پدر به دنیا آمدن حضرت عیسی علیه السلام را دلیل فرزند خدا بودن او میدانستند، از اصل مورد پذیرش آنها، یعنی مخلوق بودن حضرت آدم علیه السلام بدون نقش داشتن پدر و مادر، استفاده کرد و استدلال آنان را باطل نمود.<sup>۱</sup> البته لازم نیست اصول که مورد استناد در جدل، حتماً و همیشه مورد قبول طرف مقابل باشد،<sup>۲</sup> اما پیامبران الهی و پیشوایان معصوم شیعه، به مقتضای ادب خویش و با هدف بیان حق و هدایت‌گری، همواره در احتجاج‌های خویش از مسلمات خصم بهره می‌گرفتند و از استناد به مطالبی که سبب ستیزه‌جویی، لجاجت و درگیری شود، پرهیز می‌کردند.<sup>۳</sup>

امام رضا علیه السلام نیز ابتدا از فرد مقابل، درباره موضوعی که قرار است پایه استدلال قرار بگیرد، اعتراف می‌گیرد؛ مانند این بخش از مناظره که امام خطاب به جاثلیق می‌فرماید: تو را سوگند می‌دهم؛ آیا در انجیل

---

<sup>۱</sup> همانا مثل عیسی نزد خداوند مثل آدم است که خدا از خاکش خلق کرد و سپس فرمان داد «باش» و او وجود یافت. (آل عمران، آیه ۵۹)

<sup>۲</sup> ملاحادی سبزواری، شرح المنظومة، ج ۱، ص ۳۲۲.

<sup>۳</sup> با فرزاندگی و پند دادن نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با مخالفان به طریقی که نیکوتر است، مجادله کن. (نحل، آیه ۱۲۵)

این هست که یوحنا گفته: مسیح مرا از آیین محمد عربی خبر داد و به من مژده داد که پس از او محمد می‌آید، من هم این مژده را به حواریون دادم و آنها به محمد، ایمان آوردند؟

جاثلیق: یوحنا، نبوت مردی و نیز به خاندان و وصی او مژده داده، ولی روشن ننمود، که او چه موقعی ظهور می‌کند و نام آنها را بیان نکرده است.

امام: اگر کسی را بیاوریم که نام محمد و خاندان و پیروانش را از انجیل بخواند به او ایمان می‌آوری؟  
جاثلیق: آری، ایمان محکم.

سپس امام نام محمد و خاندانش و پیروانش را از انجیل قرائت کرد.

جاثلیق: آنچه وجودش در انجیل برایم ثابت و روشن شد، انکار نمی‌کنم و به آن اعتراف دارم.<sup>۱</sup>

همین شیوه در مناظره با رأس الجالوت، بزرگ علمای یهود و بزرگ آیین زرتشت نیز بارها تکرار شد. اقرار به یک مطلب، می‌تواند این تصور را برای شنونده مناظره ایجاد کند که اعتقادات فرد مناظره‌کننده، چندان بر پایه تعقل استوار نیست و او استدلال‌های محکمی در برابر این اشکالات ندارد. این فرآیند، همان اقناع ناظران است که در مناظرات دارای مخاطبان عام، مورد توجه دو طرف است؛ مانند فرازی از مناظره حضرت امام رضا علیه السلام که طی آن، جاثلیق در پاسخ به سؤال امام، ابتدا قول چهار نفر از بزرگان مسیحیت، یعنی لوقا، یوحنا، متی و مرقابوس را قابل اطمینان و نافذ می‌داند، اما کمی بعد آنان را به دروغ بستن به حضرت عیسی علیه السلام متهم می‌کند:

امام: گواهی این چهار نفر نزد تو چگونه است؟

جاثلیق: گواهی آنها نافذ است. اینان دانشمندان انجیل‌اند و هر چه گواهی دهند، حق است.

امام: در مورد گواهی لوقا و مرقابوس و متی درباره نسبت عیسی، چه نظری داری؟

جاثلیق: آنها بر عیسی دروغ بسته‌اند.

---

<sup>۱</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۲۰.

امام: مردم! آیا او هم اکنون آنها را ستایش نکرد و گواهی نداد که آنها از دانشمندان انجیل‌اند و گفته آنها حق است؟<sup>۱</sup>

نکته قابل توجه در همه موارد، اشاره آن حضرت به کتاب‌های تورات و انجیل و اقرار گرفتن از متن این دو کتاب از بزرگان نصارا و یهود است که تسلط امام را بر تورات و انجیل نشان می‌هد.

### ح. حصر عقلی

از دیگر شیوه‌های مورد استفاده در مناظرات، قراردادن مسیر مناظره در حالتی است که شخص مخاطب به حصر عقلی دچار شود. حصر عقلی در حقیقت یک دو راهی است که هر دو راه آن به شکست می‌انجامد و راه فراری برای مناظره‌کننده باقی نمی‌ماند. معمولاً اشخاص متبحر در مناظره، در پاسخ دادن سعی می‌کنند تا جایی که ممکن است خود را از گرد خطر حصر عقلی، دور نگه دارند.

در مناظره امام رضا علیه السلام با بزرگان ادیان، آن حضرت بارها از این شیوه استفاده می‌کند؛ مثلاً ایشان نام پیامبر اسلام و خاندانش را از انجیل قرائت می‌فرماید و سپس به جاثلیق می‌گوید:

چه پاسخی داری؟ یا باید بگویی که آنچه خواندم انجیل نیست یا باید بگویی انجیل دروغ است، اما احتمال اول که بطلانش ثابت شد، بنابراین یا باید به نبوت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله طبق اخبار انجیل اعتراف کنی یا کشتنت واجب می‌شود، چون خدا و پیامبر و کتاب خود را منکر شده‌ای.<sup>۲</sup>

در این جا جاثلیق راهی جز تأیید کلام امام ندارد و بر صحت مطالب نقل شده از انجیل، اعتراف می‌کند.

### ط. مغالطه تحریف

تحریف یعنی منحرف کردن چیزی از مسیر و وضع اصلی آن و منظور از مغالطه تحریف، تغییر و تبدیل و دخل و تصرف در سخن دیگران است؛ به این معنا که مثلاً جمله، نامه، شعر یا کتابی، به دلیل حذف و اضافات، چنان تغییر کند که معنا و مفهومی مغایر با معنا و مفهوم اصلی بیابد. این مغالطه در طول تاریخ در

---

۱ همان، ص ۳۳۲.

۲ همان، ص ۳۲۰.



حد بسیار وسیعی صورت گرفته و در موارد بسیاری، منشأ انواع انحرافات و گمراهی‌ها شده است.<sup>۱</sup> در مناظره امام رضا علیه السلام نیز شاهدیم که رأس الجالوت، چگونه سعی دارد با تحریف متن تورات، از اقرار به نبوت پیامبر اسلام، شانه خالی کند، اما امام علیه السلام با نشان دادن نقطه انحراف، کلام او را رد و تفسیر صحیح از تورات را ارائه می‌کند:

امام: داود در زیور گفته و تو آن را می‌خوانی که «خدایا! به پادارنده سنت پس از فترت را مبعوث کن.» آیا جز محمد، پیامبری را می‌شناسی که چنین کاری را انجام داده باشد؟

رأس الجالوت: این گفته داود را قبول دارم و انکار نمی‌کنم، ولی مقصودش از این سخن، عیسی بوده است.

امام: نفهمیدی، زیرا عیسی با سنت پیش از خود، مخالفت نکرد و با سنت تورات موافق بود تا هنگامی که خدا او را به سوی خود بالا برد.<sup>۲</sup>

ی. استفاده امام علیه السلام از مسلمات ادیان

رأس الجالوت در پاسخ به امام رضا علیه السلام درباره چگونگی اثبات نبوت حضرت موسی علیه السلام، به معجزاتی از قبیل شکافتن دریا، ازدها شدن عصا، ید بیضا و جاری ساختن چشمه آب از سنگ، استناد کرد.

امام رضا علیه السلام با پذیرش این معجزات حضرت موسی علیه السلام، پرسید: آیا هر کس در تأیید ادعای نبوت خویش معجزه بیاورد، او را تصدیق می‌کنید؟

رأس الجالوت گفت: خیر، فقط در صورتی می‌پذیریم که معجزاتی همانند معجزات حضرت موسی علیه السلام بیاورد.

امام فرمود: پس چگونه به نبوت پیامبران پیش از موسی علیه السلام ایمان دارید، در حالی که هیچ کدام از آنها، معجزات حضرت موسی علیه السلام را نیاوردند؟

---

<sup>۱</sup> علی اصغر خندان، مغالطات، ص ۹۹.

<sup>۲</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۳۶.

رأس الجالوت که در پاسخ حضرت رضا علیه السلام در مانده بود، با تغییر حرف خود، گفت: اگر کسی معجزاتی بیاورد که فراتر از قدرت افراد عادی باشد، تصدیق نبوت او لازم است.

در این هنگام، حضرت با اشاره به زنده شدن مردگان، شفای کور مادرزاد و بیماران مبتلا به پیسی به دست حضرت عیسی علیه السلام و زنده شدن پرنده گلین با دم مسیحایی آن حضرت، پرسید: پس چرا نبوت او را تصدیق نمی‌کنید؟

رأس الجالوت گفت: می‌گویند وی چنین کارهایی می‌کرده، ولی ما که آن را ندیده‌ایم.

امام پرسید: مگر معجزات حضرت موسی علیه السلام را به چشم خود دیده‌اید؟ آیا جز این است که افراد مورد اطمینانی آنها را دیده و نقل کرده‌اند و با اخبار متواتر، به شما رسیده

است؟ معجزات حضرت عیسی علیه السلام هم توسط افراد مورد وثوقی دیده شده و در قالب اخبار متواتر، گزارش شده است، پس چرا نبوت او را تصدیق نمی‌کنید؟ درباره حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز این مسئله صادق است. بر اساس اخبار متواتر، آن حضرت نزد هیچ آموزگاری درس نخواند و چیزی نیاموخت، ولی با وجود امی و درسناخوانده و مکتب‌رفته بودن، کتابی آورد که درباره سرگذشت پیامبران و اقوام گذشته و نیز درباره آینده سخن گفته است. پس چرا نبوت او را نمی‌پذیرید؟

رأس الجالوت که جوابی نداشت، محکوم شد و همانند جاثلیق، سکوت اختیار کرد.<sup>۱</sup>

در این گفت‌وگو، هر چند امام رضا علیه السلام به صورت صریح و آشکار به هیچ کتاب مقدسی استناد نجست، ولی اشاره نکردن ایشان به گزارش این معجزات در کتاب مقدس، به دلیل آن است که این مسئله به عنوان یک واقعیت و حقیقت مسلم تاریخی و دینی، برای هر یک از پیروان ادیان ابراهیمی پذیرفته شده بود و یا دست کم از آن آگاهی داشتند و باید بر اساس منطق و استدلال خود، آن را می‌پذیرفتند، زیرا معجزات یاد

---

<sup>۱</sup> طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۲۳.

شده برای حضرت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام به ترتیب در عهد قدیم<sup>۱</sup> و جدید<sup>۲</sup> به شکلی مبسوط گزارش شده است.

ک. خطاب توأم به عقل و دل و تحریک وجدان

یکی از شرایط معنوی بلاغت و نفوذ کلام در مناظره را باید در استفاده از سخن نرم و آهنگ گرم دانست. با نگاهی به مناظره‌های حضرت رضا علیه السلام و نوع کلمات و عبارات ایشان روشن می‌گردد که در کنار توجه به اندیشه‌های مخاطبان، از زاویه‌های دیگر به دل و فطرت آنان نیز خطاب می‌شد. لحن گفتارها و کیفیت تغییر لحن حضرت، گویای این حقیقت است.

آنچه این مهم را در مناظره‌های ایشان نشان می‌دهد، تمایل مخاطب برای ادامه بحث است. صحبت‌های امام رضا علیه السلام چنان در مخاطب تأثیر می‌گذاشت که وقتی آن حضرت صحبت‌هایش را پایان می‌داد، مخاطب مشتاقانه به شنیدن مطالب بیشتر اصرار می‌نمود؛ برای مثال سلیمان مروزی که یکی از مناظره‌کنندگان با امام علیه السلام بود، پس از پاسخ امام علیه السلام در مورد بداء، مشتاقانه از امام علیه السلام خواست که در مورد آن، بیشتر بگوید.<sup>۳</sup>

ل. نظم منطقی در گفتار

تنظیم و ارتباط معنایی الفاظ، از جمله اصول اجتناب‌ناپذیر سخن مفید است، از این رو مجموعه یک بحث و مناظره مؤثر، باید چنان عنوان، دسته‌بندی، تحلیل، جمع‌بندی و پایانی داشته باشد که برای دو طرف مناظره فهمیدنی باشد. امام رضا علیه السلام در مناظره‌های علمی، با تأکید و تکیه بر این اصل، همواره با توجه به روان‌شناسی و روح کلام، مخاطب را مجذوب خود می‌نمود؛ برای نمونه هنگامی که عمران صابی از امام علیه السلام خواست که از نخستین وجود و مخلوقاتش با وی سخن بگوید، ایشان پاسخ را با این مقدمه آغاز کرد: «اما خداوند یگانه، از ازل بی‌همتا بوده. او موجودی است که چیزی با او نبوده و حدود و

<sup>۱</sup> برای نمونه ر.ک: سفر خروج، باب ۴، فراز ۱-۹؛ باب ۸، فراز ۷-۱۲ و ۱۴-۱۵ و باب ۱۷، فراز ۱-۷.

<sup>۲</sup> برای نمونه ر.ک: انجیل متی، باب ۹، فراز ۲۸-۳۴؛ باب ۱۸، فراز ۱۵-۲۱ و باب چهاردهم و پانزدهم؛ انجیل مرقس، باب پنجم و هفتم؛ انجیل لوقا، باب هشتم و نهم و انجیل یوحنا باب ششم.

<sup>۳</sup> صدوق، عیون اخبار امام رضا علیه السلام، ج ۱.

اعراض راهی به او نداشته و الآن [نیز همین گونه است] هم چنان که در آینده چنین است. پس مخلوقات را به طور ابداعی، با اعراض مختلف و مورد گوناگون آفرید. این خلقت ابداعی را نه در چیزی مقابل نمود و نه با چیزی مشابه...»

ایشان در ادامه با تجزیه و تحلیل مباحث، ضمن تبیین جایگاه خداوند و مخلوقات، این نتیجه معقول را می‌گیرد: «... خداوند متعال، مخلوقات را از روی احتیاج نیافریده است، بلکه احتیاج را در مخلوقات به وجود آورده است که به وسیله بعضی از آنها به بعضی دیگر منتقل می‌گردد و بعضی را بر بعضی ترجیح داده است، بدون نیاز به آنچه برتر است و بدون خصومت با آنچه در موقعیت پست قرار گرفته است و بدین ترتیب، موجودات را خلق فرموده است.»<sup>۱</sup>

توجه به محتوای پیام گوینده: از اهم اصول و ضوابط گفت‌وگو و حتی ارتباط و مفاهمه و تعامل با دیگران، پرهیز از جدل و سفسطه و تلاش برای فهم کلام مخاطب، بجای کوشش برای تدارک پاسخ است. هنگامی که تمام حواس و توان شنونده، بر عیب‌یابی از کلام طرف مقابل و پاسخ دادن به او متمرکز شود، از درک حقیقت سخن او غافل می‌ماند و شاخه‌های انحرافی به گفت‌وگو تحمیل می‌شود، از این‌رو، در مناظره علمی با توجه به تأثیر اندیشه بر گفتار، خردورزی در گفتار به عنوان دستورالعمل کلی در فرآیند مناظره، به کار گرفته می‌شود.<sup>۲</sup> کسی می‌تواند در مناظره به موفقیت دست یابد که از آنچه طرف مقابل احساس می‌کند و قصد انتقال آن را دارد، درک درستی داشته باشد.

امام رضا علیه السلام در مناظره‌های خود، لزوم رعایت این اصل را به طرف مناظره گوشزد می‌نمود؛ مثلاً به عمران صابی فرمود:

ای عمران! از آنچه پرسیدی به تو پاسخ می‌دهم، لکن در آنچه می‌گویم، از روی تعقل بنگر و در آنچه پرسیدی، فهم و عقل به کار بگیر، چراکه این مطلب، از مشکل‌ترین مسائلی است که مردم با آن مواجه

---

<sup>۱</sup> صدوق، التوحید، ص ۴۳۹؛ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۷.

<sup>۲</sup> حمید مقامی، بررسی فرآیند ارتباط کلامی و مبانی آن در تعلیم و تربیت اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان).

می‌شوند. کسانی که دارای عقل، فهم و ادراک ثابت نباشند و دچار جهل و نادانی باشند، از فهم آن عاجزند و کسانی که دارای عقل، انصاف، حق‌خواهی و حق‌شناسی باشند، از فهم، ناتوان نیستند.<sup>۱</sup>

در توضیح این مطلب می‌توان گفت: درک نکردن محتوای پیام، مشکلی است که می‌تواند در فرآیند مناظره، خلل ایجاد کند و راه‌حل آن در برخورد مناظره‌ای امام علیه السلام با طرف مناظره، از طریق نقد و بررسی ارایه گردیده است. در همین مناظره، امام رضا علیه السلام پس از پاسخ به سؤال عمران صابی در باره این موضوع که خدا در چه چیز است؟ آیا چیزی بر او احاطه دارد؟ و آیا از چیزی به چیز دیگر، تغییر و تحول می‌نماید؟ با بیان «افهمت یا عمران؟» حقیقت موضوع را به او نشان داد.

این نوع پاسخ‌گویی امام علیه السلام بیان‌گر این موضوع است که مناظره مستلزم نقد است. وقتی مناظره‌کنندگان موضع انتقادی داشته باشند، خود را متعهد و ملزم به پرسش و توجه دقیق به تمام موضوعات می‌دانند. لازمه این امر، نگرش باز به مسائل و آمادگی برای تأمل دوباره درباره مطالبی است که تاکنون مسلم و درست پنداشته می‌شوند.

م. استفاده از تمثیل در تفهیم مطلب

امام رضا علیه السلام در آغاز برخی از بحث‌های مربوط به توحید که از درک محسوس بشری فراترند، با استفاده از مثال‌های ساده و قابل فهم، استدلال خود را استوار کرد و مجال شک و تردید برای خصم باقی نگذاشت، سپس با عرضه استدلال‌های عقلی و کلامی، به تفصیل و تعمیق بحث پرداخت.

گفتگوی عمران صابی با امام علیه السلام نمونه این مدعاست.

عمران صابی از حضرتش پرسید: ای مولای من! آیا خداوند قبل از آفرینش موجودات ساکت بود و سخن نمی‌گفت و سپس تکلم را آغاز کرد؟

امام رضا علیه السلام فرمود: سکوت معقول نیست، مگر آن‌که پیش از آن نطقی صورت گرفته باشد؛ به عنوان مثال گفته نمی‌شود: چراغ ساکت است و سخن نمی‌گوید. [هم‌چنان که] گفته نمی‌شود: چراغ با اراده خود به ما روشنایی می‌دهد، زیرا روشنایی، فعل ارادی آن نیست و چراغ ماهیتی به غیر از روشنایی ندارد.

---

<sup>۱</sup> صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۶.

وقتی چراغ روشن شد، می‌گوییم: چراغ روشن است و ما از روشنایی آن برخوردار هستیم و از آن فروغ و پرتو میگیریم. با این مثال حقیقت مطلب برای تو واضح میشود.

عمران گفت: سرورم! من بر این باور بودم که خداوند با آفرینش خلق، تغییر یافته و در حال او دگرگونی پدید آمده است [، پس از سکوت، به نطق تحوّل یافته است].

امام علیه السلام فرمود: ای عمران! این که بگویی خداوند به گونه‌ای دچار تغییر شده، یعنی از آنچه خارج از ذات مقدّس اوست متأثر گردید و تحوّل یافت، محال است. ای عمران! آیا دیدهای که تغییر آتش موجب دگرگونی ذات او گردد؟ یا می‌پنداری که گرما خود را میسوزاند [و خود را دچار تغییر میکند]؟ یا میپنداری که بیننده‌های در حین رؤیت، بتوانند دیدگان خود را ببینند؟

عمران گفت: نه، چنین باوری نداشته‌ام و چنین امری را ندیده‌ام.

سپس عمران پرسید: ای آقای من! مرا آگاه فرما که آیا خداوند درون مخلوقات جای دارد یا مخلوقات درون اویند؟

امام علیه السلام فرمود: ای عمران! خداوند برتر از آن است که می‌گویی. خداوند نه درون خلق است، نه خلق درون او و خداوند برتر از آن است. اینک من رابطه خداوند با مخلوقات را به تو می‌آموزم **وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ**.

(ای عمران!) اکنون به من بگو آن هنگام که عکس تو در آینه منعکس میشود، تو در آینه‌ای یا آینه در توست؟ اگر هیچ یک درون دیگری نیست، چگونه به انعکاس عکس خودت در آینه استدلال میکنی؟ [کدام سبب، موجب می‌شود تصویر خود را در آینه بنگری؟]

عمران پاسخ داد: با آن پرتو و روشنایی که بین من و آینه وجود دارد.

امام رضا فرمود: آیا پرتوی که در آینه می‌بینی، بیش از پرتوی است که در چشم خود می‌بینی؟  
عمران گفت: آری.

امام علیه السلام فرمود: آن را نشانم بده.

عمران دیگر نتوانست پاسخی بدهد.

امام علیه السلام فرمود: نتیجه آن که نه در آینه است نه در تو، بلکه چیزی جداست که شما را به یکدیگر مربوط ساخته است [و هم تو را و هم آینه را نشان می‌دهد]. البته برای توضیح این حقیقت، مثال‌های دیگری وجود دارد که افراد نادان را راهی بدان نیست. **وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى**.<sup>۱</sup>

۷. ناکامی مأمون در رسیدن به اهدافش

انگیزه اصلی مأمون در به میدان طلبیدن امام رضا علیه السلام را می‌توان در بعد سیاسی قضیه جست‌وجو کرد. مأمون به امید واماندن آن حضرت از پاسخ‌گویی به سؤالات، این محافل را محل آزمایش و امتحان مقام علمی و حکمت و دانش حضرت رضا علیه السلام قرار داده بود، لکن امام رضا علیه السلام که به منبع علم لدنی متصل بود، در همه موارد با پیروزی بیرون آمد و مأمون در این آرزوی باطل ماند.<sup>۲</sup>

اباصلت عبدالسلام هروی که در بیشتر نشست‌ها و مناظرات حضور داشت، می‌گوید:

هیچ کس را از حضرت رضا علیه السلام داناتر ندیدم و هیچ دانشمندی آن حضرت را ندیده، مگر این که به علم برتر او گواهی داده است. در محفله‌ها و جلسه‌هایی که مأمون گروهی از دانایان ادیان و دانشمندان متکلم و فقیهان را جمع میکرد، بر تمامی آنان غلبه یافت، تا آن جا که آنان به ضعف علمی خود و برتری امام اذعان داشتند.<sup>۳</sup>

۸. نتیجه‌گیری

در عصر امام رضا علیه السلام، شرایط خاصی از نظر تنوع فرقه‌ها و نحله‌های دینی، مذهبی و کلامی بر منطقه خراسان بزرگ حاکم بود و این شرایط، چالش‌هایی را متوجه اسلام و مسلمانان می‌کرد. امام رضا علیه السلام در مناظره و گفت‌وگو با علمای اهل کتاب - بر اساس منطقی محکم و استوار و با استناد به کتاب

۱ بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۱۲ و ۳۱۳ و صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۲.

۲ طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۱۶ و صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.

۳ اربلی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۱۶ و ۳۱۷ و بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۰۰.

مقدّس آنان - نادرستی شماری از عقاید و باورهای بنیادین دینی آنها را به اثبات رساند و به چالشهایی که از سوی آنان متوجه مبانی فکری و عقیدتی مسلمانان بود، پاسخ داد.

علم بی‌کران آن حضرت و منطق محکم ایشان، به اقرار پیاپی مناظره‌کنندگان به اعتقادات امام و برتری امام علیه السلام در مناظره انجامید. جاثلیق در پایان مناظره با گفتن «دیگری از تو سؤال کند. به مسیح سوگند که در میان دانشمندان مسلمان، مانند تو نیست»<sup>۱</sup> از بحث خارج می‌شود. رأس الجالوت و بزرگ زرتشتیان، با سکوت خود از ادامه بحث سرباز می‌زنند. اقرار عمران صابی به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مسلمان شدن او، نشانه برتری کامل و بلاشک امام بر همه بزرگان کلامی معاصر خویش است.

پس از مناظره، امام رضا علیه السلام عمران صابی را نزد خود دعوت کرد و به او یک خلعت، یک مرکب و ده هزار درهم داده و وی را مسئول گردآوری صدقات در بلخ نمود. این پیروزی بزرگی برای یاران امام بود، زیرا عمران صابی پس از آن با بزرگان ادیان مختلف وارد بحث شد و همه شکست داد و تبدیل به مبلغ اسلام ناب در منطقه خود گردید که می‌توان آن را یکی از بهترین دست‌آورهای این بحث دانست.<sup>۲</sup>

اصول استنتاجی مطرح شده در مناظره‌های آن حضرت، مؤید این مطلب است که مناظره، روشی مناسب برای ایجاد فهم مشترک از مسائل، آگاهی‌بخش و ایجاد نگرش توأم با عقلانیت است. روش مناظره‌ای آن حضرت، صرفاً جدل و حتی تسلط علمی بر مسئله نبود، بلکه از نظر علمی و روانی، بیشترین تأثیرات آموزشی را برطرف مناظره می‌گذاشت. با توجه به فرآیند مناظرات امام رضا علیه السلام، این نتیجه به دست می‌آید که یکی از ابعاد مهم در سیره آموزشی ایشان و سایر ائمه معصوم علیهم السلام، توجه به چگونگی به کارگیری روش مناظره است. استفاده از روش صحیح مناظره می‌تواند نقش بارزی در پیشبرد اندیشه الهی و تعمیق مباحث نظری داشته باشد، امری که متأسفانه در محافل علمی و دانشگاه‌ها کمتر مورد توجه و استفاده عملی واقع می‌شود.

---

۱ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۳۳۲.

۲. همان، ص ۳۶۰.



هم‌چنین می‌توان نتیجه گرفت که اگر تبیین و ارائه اندیشه‌ها و آموزه‌های دینی و پاسخ‌گویی به چالش‌های پیش روی آن، بر اساس آگاهی کامل و منطقی محکم و عقلانی صورت پذیرد، چهره زیبای حقایق آشکار می‌شود و تشنگان حقیقت در برابر آن تسلیم خواهند شد.

صفحه سفید

منابع

- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الائمة، مکتب بنی‌هاشمی، تبریز ۱۳۸۱.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح و تعلیق جلال‌الدین ارموی، دانشگاه تهران، تهران.
- توماس، میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم ۱۳۷۷.
- سبزواری، ملاحادی، شرح المنظومه، ۱۴۱۷ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، عیون اخبارالرضا، انتشارات جهان، ۱۳۷۸ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ترجمه و شرح محمد تقی اصفهانی، علمیه الاسلامیه، تهران ۱۳۳۲.
- طبرسی، ابو منصور احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، الاعلمی، بیروت ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق: ابراهیم بهادری، انتشارات اسوه، تهران، ۱۴۱۳ق.
- فرهنگی، علی اکبر، مبانی ارتباطات انسانی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۴.
- کارنگی، دیل، ناطقین زبردست و روش نفوذ آنها در مردم، ترجمه ضیاءالدین علم‌زاده، معرفت، تهران بی‌تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۵.

- مرتضوی، سید محمد، نهضت کلامی در عصر امام رضا علیه السلام، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۷۵.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، مؤسسة الوفاء، تهران ۱۴۰۳ق.
- مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مؤسسه آل البيت، قم ۱۴۱۶ق.
- مقامی، حمید، بررسی فرآیند ارتباط کلامی و مبانی آن در تعلیم و تربیت اسلامی، (پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی)، ۱۳۸۳.
- مکارم شیرازی، ناصر، مناظرات تاریخی امام رضا علیه السلام با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر.